

گزارشی از سازماندهی روایات ذیل آیه بسمله در کتاب «التفسیر الاثری الجامع»

نیره اسحاقی^۱

سیده سعیده غروی^۲

چکیده

عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» نخستین جمله قرآنی است که به‌عنوان سرآغاز سوره مبارکه علق بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد. این آیه ۱۱۴ بار فرود آمده و در ۱۱۳ سوره به‌عنوان آغازین جمله ذکر شده است. از آنجا که بسمله نخستین و پُربسامدترین آیه قرآن است، بسیاری از مفسران و اندیشمندان حوزه تفسیر و معارف قرآنی در صدد بررسی و تبیین آن برآمده‌اند. یکی از این اندیشمندان آیت الله معرفت است. این مفسر معاصر شیعه در کتاب گران سنگ «التفسیر الاثری الجامع» به بیان دیدگاه خویش نسبت به این آیه بر پایه روایات پرداخته است. در نظر ایشان، همانند سایر مفسران شیعه، بسمله آیه‌ای از قرآن در آغاز هر سوره محسوب شده، جمله‌ای مستقل و دارای معنای خاص است و از این منظر تکتک واژگان آن دارای معنا بوده، بی‌آنکه معانی رمزی دیگری از آن اراده شده باشد. علامه معرفت همچنین روایاتی در فضیلت و نحوه نگارش این جمله آورده است.

واژگان کلیدی

بسم الله الرحمن الرحيم، آیت الله معرفت، روش‌شناسی، تفسیر روایی

درآمد

آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» که به آن «بسمله» یا «تسمیه» نیز گفته می‌شود، نخستین و پُربسامدترین آیه قرآن کریم است. درباره مفردات این آیه سخنان فراوانی گفته شده و

دانش پژوه آموزشی
قرآن و حدیث
سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۹

۱. فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، (eshaghi۱۴۴۱@gmail.com)

۲. استادیار دانشگاه قم، (saeedehgaravi@yahoo.com)

تقریباً نمی‌توان هیچ مفسّری را یافت که در تفسیرش به شرح و توضیح بسمله نپرداخته باشد. افزون بر این، آثار و رساله‌های فراوانی به شکل مستقل در تبیین این آیه شریفه نگاشته شده که از میان آنها می‌توان به دو کتاب «تفسیر البسملة» دکتر هاشم ابوحسین و کتاب الکترونیکی «تفسیر آیه بسم الله الرحمن الرحيم، کلید تفسیر قرآن و هدایت اهل ایمان» به قلم تقی قدم‌پور باقری اشاره کرد. این کتاب‌ها تنها به توضیح و تبیین معنای ظاهری این عبارت قرآنی نپرداخته‌اند؛ بلکه از جنبه‌های گوناگون به این آیه کریمه نگریسته و از عظمت و ویژگی آن سخن گفته و بررسی معنای باطنی را نیز مدّ نظر داشته‌اند.

مرحوم آیت الله معرفت نیز به‌عنوان اندیشمند، قرآن‌پژوه و مفسّر معاصر شیعه به تفسیر این آیه شریفه توجه کرده است. کتاب «التفسیر الاثری الجامع» جزو آخرین نگاشته‌های آن فقیه مفسّر بوده که در سال‌های پایانی عمر، نگارش آن آغاز شد. این کتاب نوعی تفسیر ترتیبی نقلی با گستره‌ای وسیع است که احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را به همراه اقوال صحابه، تابعان و مفسّران نخستین و سخنان لغویان گرد آورده و افزون بر نقل، به تحلیل و نقّادی نیز توجه داشته است.^۳ از آنجاکه این کتاب، احادیث شیعه و اهل سنت را در بر دارد، نوعی تفسیر مقارنه‌ای و تقریبی نیز به شمار می‌آید.^۴ این سبک نوینی است که نویسنده برای کتاب خویش برمی‌گزیند. استفاده از احادیث و اقوال مفسّران فریقین در کنار هم بدون توهین به آنها همراه با نقد و بررسی محترمانه، عالمانه و منصفانه، رویکرد جدیدی را در تفسیر شکل می‌دهد. نگاه تقریبی به تفسیر، می‌تواند زمینه‌ساز وحدت مسلمانان و استفاده همگان از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و پی‌بردن به نقاط قوّت روایات فریقین و رفع نقطه ابهام و ضعف باشد.^۵ هرچند شیوه تفسیری کتاب، نقلی و اثری است اما نویسنده از روش اجتهادی در گزینش و چینش احادیث استفاده کرده و به صورتی روایات را گردآوری و تنظیم نموده که خواننده به دیدگاه مورد نظر وی منتقل شود.^۶

آیت الله معرفت در جلد نخست این کتاب ضمن تفسیر سوره حمد به گردآوری روایات مرتبط با آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» به‌عنوان نخستین آیه سوره حمد می‌پردازد. ایشان افزون بر گردآوری روایات به معنای لغوی واژگان بسمله، و جهر و اخفات آن و شیوه کتابت این عبارت شریفه

۳. ن. کد معرفت قرآنی، ج ۳، ص ۳۵۵.

۴. ن. کد مقاله «سبکی نوین در تفسیر روایی، روش‌شناسی کتاب تفسیر اثری جامع»، مجله بینات، ش ۴۴، ص ۱۰۹.

۵. ن. کد معرفت قرآنی، ج ۳، ص ۴۳۱.

۶. ن. کد معرفت قرآنی، ج ۳، ص ۴۲۵.

نیز مباحث مفصلی آورده است. از این روست که این نوشتار، تکبیدی نبوده و ابعاد مختلف عبارت بسمله را در بر می‌گیرد.

«بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای است با مقالات متعدد؛ از جمله مقاله‌ای با عنوان «رویکردی نوین در ترجمه بسمله با تحلیل ساختارهای زبانی آن از دیدگاه آیت الله جوادی آملی» توسط محمد خامه‌گر^۷ نگاشته شده که به بررسی لغت و ساختار واژه‌های آیه شریفه از دیدگاه آیت الله جوادی آملی پرداخته و قصد داشته تا به ترجمه دقیق این عبارت دست یابد. همچنین مقاله «آیه‌بودن بسمله از دیدگاه فریقین» توسط زهرا رضازاده عسگری^۸ نگاشته شده تا آیه‌بودن بسمله را ثابت کند. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و دسته‌بندی و موضوع‌دهی روایات، برای نخستین بار زوایای مختلف عبارت بسمله را از دیدگاه آیت الله معرفت بررسی کرده و سعی نموده تا ضمن ارائه گزارشی از شیوه گردآوری و تبیین روایات ذیل عبارت بسمله، به برخی از ویژگی‌های کتاب «التفسیر الاثری الجامع» اشاراتی تطبیقی داشته باشد.

آیت الله معرفت در تفسیر سوره حمد، سه مبحث را به طور مستقل بحث کرده است؛ نخست، استعاذه؛ دوم، بسمله و سوم، ذکر «آمین» پس از حمد. نویسنده در همه این عناوین، روایات مربوط را آورده و در آخرین بحث، حکم فقهی و تاریخی را نیز مطرح می‌کند.

نویسنده در تبیین بسمله، نخست از فضیلت و عظمت این عبارت سخن می‌گوید و سپس ضمن بیان آیه‌بودن تسمیه، بُعد فقهی جهر و اخفات آن را در نماز از دیدگاه خویش طرح می‌کند. سپس در تفسیر آیه، دیدگاه خود را درباره ساختار لغوی، صرفی و نحوی آن بیان کرده و نگاهی اجمالی به تفسیر رمزی و اشاری می‌اندازد. در نهایت بحث را با بیان روایاتی درباره شیوه نگارش بسمله به پایان می‌رساند. در این نوشتار، ساختار یادشده مورد بررسی قرار می‌گیرد. مباحث این نگاشته با استفاده از ترجمه فارسی کتاب «التفسیر الاثری الجامع» تنظیم شده است.

الف) فضیلت و عظمت بسمله

نویسنده بر پایه روایات، بسمله را «رمز اسلام»، «برترین نماد» و ریسمانی می‌داند که پیوند امت را با مبدأ نیرومند و والا منزلت استوار می‌سازد؛ به گونه‌ای که دشمنان در برابر شنیدن آن تاب

۷. مجله معارج، ش ۱.

۸. مجله مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۲.

مقاومت نداشته و سرگردان می‌شوند.^۹ یکی از روایات منقول چنین است که رسول خدا ﷺ، «بسم الله الرحمن الرحيم» را با تائی و صدای بلند قرائت می‌کردند. هنگامی که مشرکان آن را می‌شنیدند پشت کرده و برمی‌گشتند؛ از این رو آیه نازل شد:

وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا.^{۱۰}

همچنین از پیامبر ﷺ روایت شده:

هرگاه معلم به کودک بگوید: بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم» و کودک نیز آن را بازگوید، خداوند امان‌نامه‌ای از آتش برای کودک و پدر و مادر و معلمش می‌نویسد.^{۱۱}

نویسنده در ادامه، روایتی از امام رضا علیه السلام آورده که می‌فرماید:

همانا «بسم الله الرحمن الرحيم» نسبت به اسم اعظم خدا نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی اش است.^{۱۲}

آیت الله معرفت «بسمله» را مایه برکت در زندگی و نگاه‌دارنده از شر و بدی دانسته و روایات متعددی از منابع فریقین نقل می‌کند.^{۱۳} ابن مسعود از پیامبر ﷺ روایت کرده:

هر کس «بسم الله الرحمن الرحيم» را بخواند، خداوند در برابر هر حرف، چهار هزار حسنه برای او می‌نویسد و چهار هزار گناه او را پاک کرده و او را چهار هزار درجه بالا می‌برد.^{۱۴}

در حدیث دیگری از رسول خدا ﷺ نقل شده:

هرگاه چهارپا تو را بر زمین زد، نگو: شیطان، بدبخت و درمانده باد؛ چون شیطان، بزرگ، جلوه می‌کند و بسان خانه‌ای می‌گردد و می‌گوید: با نیروی خود آن را انجام دادم. بلکه بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم»

۹. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۳۷.

۱۰. الاسراء، ۴۶؛ و نیز ن. کنه تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۳۷؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۰.

۱۱. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۴۰؛ جامع الاخبار، ص ۴۹.

۱۲. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۳۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۱۶.

۱۳. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۴۰.

۱۴. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۴۸؛ جامع الاخبار، ص ۱۲۰؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۶.

زیرا در این صورت، شیطان کوچک به نظر می‌آید و چون مگسی می‌گردد.^{۱۵}

تفسیر اثری جامع از منابع بسیاری بهره برده است. نگاهی به کتاب‌نامه این اثر نشان می‌دهد که حدود ۲۲۰ مرجع، فهرست منابع آن را می‌سازد.^{۱۶} تنوع منابع در موضوع فضیلت و عظمت «بسمله» کاملاً به چشم می‌آید. نقل روایات مشابه از منابع فریقین را می‌توان ویژگی دیگر این بخش دانست که بیانگر سبک تطبیقی و مقارنه‌ای نویسنده است.

ب) آیه‌بودن بسمله

آیه‌بودن بسمله در سوره‌های قرآن، یکی از مسائل مورد اختلاف میان مسلمانان است. مشهور شیعه امامیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را در سوره حمد و سوره‌های دیگر قرآن، جزو سوره دانسته و بر وجوب قرائت آن در نماز اتفاق نظر دارند.^{۱۷} در برابر، اهل سنت این فتوا را اختلافی می‌شمرند. بسمله در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفا در نمازها قرائت می‌شد. نخستین بار معاویه آن را قرائت نکرد و مورد اعتراض صحابه قرار گرفت. همین اعتراض نشان می‌دهد که آنها بسمله را جزو سوره می‌دانستند و در نماز می‌خواندند. سپس کارگزاران بنی‌امیه مانند عمرو بن سعید بن عاص والی مدینه، از معاویه پیروی کردند. آنگاه روایاتی جعل کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و خلفا نماز را بدون تسمیه قرائت کرده‌اند! این جعلیات، سبب اختلاف میان مسلمانان شد. جا‌اعلان برای تأیید روش معاویه، در جزئیت بسمله شبهه کرده، به جعل و ترویج روایات متناقضی درباره آیه‌بودن یا نبودن تسمیه پرداختند و کوشیدند تا با سیره حضرت علی علیه السلام در اهمیت بسمله و بلندخواندن آن در نماز مخالفت کنند.^{۱۸}

مرحوم آیت الله معرفت در تفسیرش، روایات را دسته‌بندی کرده است. در بخش آیه‌بودن بسمله، ایشان ضمن گردآوری آیات دال بر دیدگاه جزئیت، به دسته‌بندی روایات نیز پرداخته است.^{۱۹} هرچند نویسنده به‌صراحت نظر خود را درباره آیه‌بودن تسمیه بیان نکرده، ولی نحوه چینش روایات

دانش‌آورد آئینه‌های قرآن و معارف سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۹

۱۵. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۴۷؛ سنن النسائی، ج ۶، ص ۱۴۲.

۱۶. ن. کذ مقاله معرفی و نقد تفسیر اثری جامع، مجله الهیات و حقوق، ش ۲۶، ص ۲۸۱.

۱۷. ن. کذ مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۹؛ تفسیر جامع، ج ۱، ص ۹۵؛ تفسیر روشن، ج ۱، ص ۳۰؛ تفسیر خسروی، ج ۱، ص ۳۸؛ تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، ص ۳۱.

۱۸. ن. کذ مقاله آیه‌بودن بسمله از دیدگاه فریقین، مجله مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۲، ص ۶۰.

۱۹. ن. کذ معرفت قرآنی، ج ۳، ص ۴۷۷.

و دسته‌بندی آن بیانگر همسوبودن نظر ایشان با مشهور عالمان شیعی است. روایاتی که نگارنده تفسیر اثری جامع برای اثبات آیه‌بودن بسمله آورده چند دسته است:

۱. روایات دال بر آیه‌بودن بسمله در آغاز هر سوره و سوره حمد

نویسنده با نقل روایاتی از کتاب‌های شیعه و سنی، آیه‌بودن بسمله در سوره حمد و سوره‌های دیگر را اثبات می‌کند.^{۲۰} نمونه‌ای از این روایات، نقلی است که از ابن جریح آمده:

به پدرم گفتم: آیا سعید به تو خبر داد که ابن عباس گفته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای از کتاب خدا می‌باشد؟ گفت: آری.^{۲۱}

همچنین از امام صادق ع روایت شده:

حمد، هفت آیه است.^{۲۲}

کتاب الکافی گزارش کرده:

از امام صادق ع سؤال شد: آیا هنگامی که برای نماز برخیزیم

«بسم الله الرحمن الرحيم» را در فاتحة الكتاب بخوانیم؟ امام فرمود:

آری.^{۲۳}

احادیث در تفاسیر روایی، کاربردهای مختلفی دارند؛ توضیح آیه، بیان مصداق آیه، تخصیص آیه، تقیید آیه و بیان بطن و تأویل آیه بخشی از این کارکردهاست. روایات متعددی ذیل عبارت بسمله نقل شده که هر کدام بُعدی از ابعاد آیه را بیان می‌کند.^{۲۴} یکی از این ابعاد، جزئیت تسمیه است که هم با نگاه فقهی به آن نگریسته شده و هم با نگاه قرآنی. نویسنده، «بسم الله الرحمن الرحيم» را آیه‌ای از سوره «فاتحه» و سوره‌های دیگر قرآن به جز براءت، دانسته و ترک آن در نماز را موجب بطلان صلاة شمرده است.

۲۰. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۵۱.

۲۱. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۵۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۰.

۲۲. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۵۷؛ الکافی، ج ۳، ص ۳۱۴.

۲۳. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۵۷؛ الکافی، ج ۳، ص ۳۱۲.

۲۴. ن. کد معرفت قرآنی، ج ۳، ص ۴۱۶.

۲. روایات دالّ بر آغازگر بودن بسمله در هر سوره به جز سوره برائت

مجموع این روایات، نشان می‌دهد که بسمله در همه سوره‌های قرآن کریم به جز سوره توبه، آغازگر سوره بوده و از این رو آیه‌ای از قرآن محسوب می‌شود.^{۲۵} نمونه‌ای از نقل‌های این دسته چنین است:

مسلمانان پایان سوره را نمی‌شناختند تا این که «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می‌گشت. هنگامی که بسمله نازل می‌شد می‌فهمیدند که سوره پیشین پایان یافته است.^{۲۶}

۳. روایاتی دالّ بر لزوم ذکر بسمله در آغاز هر کتاب

معصومان علیهم‌السلام سفارش کرده‌اند که آغاز هر کتاب و نوشته‌ای بسمله قرار گیرد. دسته‌ای از این روایات، دالّ بر آن است که آغاز شعر با بسمله نباشد و گروهی دیگر دلالت می‌کند که همه نوشته‌ها اعم از شعر و نثر با تسمیه آغاز شود.

یکی از ویژگی‌های تفسیر اثری جامع آن است که نویسنده، لابه‌لای احادیث، دیدگاه برخی از مفسران و محدثان را نیز آورده است.^{۲۷} این روش در بخش کنونی نمود دارد و آیت الله معرفت در این قسمت، افزون بر نقل روایات، دیدگاه برخی از صاحب‌نظران را نیز ذکر کرده است. چنین شیوه‌ای را می‌توان گواه بر آن دانست که نویسنده، تنها در صدد نقل روایات نبوده بلکه بیان دیدگاه خویش را نیز مدّ نظر داشته است. به‌عنوان نمونه ایشان سخن قرطبی درباره آغاز شعر با بسمله را چنین آورده:

امّت بر جواز نوشتن بسمله در آغاز هر کتاب علمی و رساله‌ای اتّفاق نظر دارند. اگر کتاب، دیوان شعر باشد، مجاهد از شعبی درباره آن نقل کرده که بر نوشتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز شعر اتّفاق نظر وجود دارد و زهری نیز گوید: سنّت بر این جاری شده که در شعر «بسم الله الرحمن الرحيم» ننویسند.^{۲۸}

دانش‌پژوه آشنوده‌های قرآن و حدیث
سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۹

۲۵. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۵۹۹.

۲۶. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۶۰؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۳۱؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۳.

۲۷. ن. کد معرفت قرآنی، ج ۱، ص ۴۳۱.

۲۸. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۶۲؛ جامع احکام القرآن، ج ۱، ص ۹۷.

مؤلف پس از نقل این سخن، دیدگاه یادشده را ویژه شعبی دانسته که زهری نیز از او پیروی کرده است.^{۲۹}

نکته دیگری که در این بخش، به چشم می‌آید آن است که بیشتر روایات از کتب اهل سنت نقل شده است. شاید هدف این کار، اثبات اهمّیت بسمله از نگاه اکثر عالمان اهل سنت باشد. نمونه‌ای از روایات، نقلی است که خطیب بغدادی از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده:

«بسم الله الرحمن الرحيم» آغازگر هر کتاب است.^{۳۰}

همچنین ابن ابی شیبیه، ابن ابی داوود و خطیب بغدادی از شعبی نقل کرده‌اند:

پیشینیان، نوشتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز شعر را ناخوش

می‌داشتند.^{۳۱}

ایشان از کلینی روایتی آورده که از امام صادق علیه السلام نقل کرده:

«بسم الله الرحمن الرحيم» را وا منه هرچند پیش از شعر باشد.^{۳۲}

یکی از قوت‌های تفسیر جامع اثری، بهره‌گیری از منابع متنوع و اصیل تفسیری، حدیثی،

علوم قرآنی، لغوی، ادبی و تاریخی است.^{۳۳} این تتبع در بخش حاضر، به روشنی دیده می‌شود.

ج) جهر و اخفات بسمله

قرائت بسمله به صورت جهر یا اخفات در نماز، یکی از مسائل اختلافی میان اهل سنت است.

بررسی سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و روایات صحیحی که در این موضوع نقل شده، نشان می‌دهد که قرائت

اشکار تسمیه در نماز، سیره‌ای همیشگی از سوی ایشان و اهل بیت علیهم السلام بوده است. از همین روست

که عالمان شیعی بر استحباب جهر بسمله فتوا داده‌اند.

۲۹. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۶۲.

۳۰. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۶۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۰۷.

۳۱. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۶۲؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۴۰۶؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۷؛ المصنّف، ج ۶، ص ۸۳.

۳۲. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۶۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۶۷۲.

۳۳. ن. که معرفت قرآنی، ج ۳، ص ۴۰۰.

مرحوم آیت الله معرفت ابتدا روایات دالّ بر چگونگی قرائت بسمله در نماز و جهر آن را آورده،^{۳۴} سپس به نقل روایاتی مبنی بر آهسته خواندن تسمیه می‌پردازد. ایشان پیش از بیان روایات گروه دوم، تأکید می‌کند که این دسته متون، احادیثی غریب و در تعارض با روایاتی صحیح‌تر، قوی‌تر و مشهورتر است؛ افزون بر این، مطالب نادرستی در آنها وجود دارد که متن و محتوا را دچار خدشه می‌کند. نویسنده، شگفتی خود را از یاهه‌های مطرح‌شده در برخی از نقل‌ها این‌گونه ابراز می‌کند:

عده‌ای پنداشته‌اند، بسمله به‌عنوان آیه‌ای از قرآن نازل نشده است؛ نه در آغاز سوره‌ها و نه در جای دیگر، جز در سوره نمل یا اینکه پیامبر آن را نوشت تا اینکه سوره نمل آغاز گردید و یا عجیب‌تر آنکه گفته‌اند: حضرت در آغاز سوره، شعار جاهلیت یعنی «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ» را به‌جای شعار اسلام یعنی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می‌نوشت. اینها یاهه‌گویی - هایی است که عقل سلیم آنها را نمی‌پذیرد. پاسخ اساسی در برابر این‌گونه نقل‌ها آن است که گزارش‌های یادشده روایات مرسله هستند که اعتباری ندارند.^{۳۵}

آیت الله معرفت مهم‌ترین شیوه بررسی احادیث تفسیری را نگاه به محتوا، فحوا و قوت مطالب می‌داند. ایشان گرچه برای بررسی سندی، ارزش قائل است، اما ابتدا با بررسی محتوایی، به طور ضمنی دیدگاه صحیح را مشخص کرده و سپس، سند را بررسی می‌کند.^{۳۶}

نویسنده در موضوع قرائت بسمله احادیث متعدّدی از شیعه و سنی نقل کرده که بلندگفتن تسمیه را در نمازهای واجب، لازم شمرده‌اند. همچنین به نقل سیره پیامبر ﷺ در این موضوع مبادرت نموده است. مجموعه این روایات می‌تواند نشان‌دهنده دیدگاه فقهی ایشان نیز باشد.^{۳۷}

(د) تفسیر بسمله

التفسیر الاثری الجامع در ادامه تبیین عبارت بسمله با استناد به روایاتی که معنا و ریشه واژگان تسمیه را تبیین نموده‌اند به تفسیر آن می‌پردازد. مطالعه این بخش نشان می‌دهد که نویسنده به مباحث لغوی و ادبی توجّه داشته و نمی‌توان این کتاب را تفسیر نقلی صرف دانست.

۳۴. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۹۹.

۳۵. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۵۰۳.

۳۶. ن. کد معرفت قرآنی، ج ۳، ص ۴۵۹.

۳۷. ن. کد معرفت قرآنی، ص ۴۱۵.

۱. تفسیر «اسم»

آیت الله معرفت در بخش نخست تفسیر بسمله به تبیین «اسم» از لحاظ صرفی، اشتقاقی و معنایی می‌پردازد. ایشان ابتدا دیدگاه کوفیان را آورده که «اسم» را برگرفته از «سمه» می‌دانند و اصل آن را از «وسم» به معنای علامت می‌شمرند. در این صورت اسم هر چیز، علامت شناخت آن است و بر آن دلالت می‌کند. دیدگاه دیگر، مربوط به بصریان است که معتقدند، اسم از «سمو» به معنای برتری بوده و معتلّ اللّام است.^{۳۸} در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده:

گوینده «بسم الله» نشانه‌ای از نشانه‌های خدا را برجان خویش

می‌نهد.^{۳۹}

در فارسی «اسم» به معنی نام است و «نام» همان نشانه است. در واقع نام هر چیز، نشانه او و اسم نیز علامت و نشانه بر مسمّاست. به این ترتیب مراد از «اسماء» نشانه‌ها و آثار ویژه اشیاء است. از این رو تناسب دارد که اسم از ریشه «وسم» و «سمه» گرفته شده باشد نه «سمو» به معنای بلندی و برتری.^{۴۰}

بنابراین مرحوم آیت الله معرفت، دیدگاه کوفیان را در این زمینه می‌پذیرد.^{۴۱} ایشان از روایت امام رضا علیه السلام به عنوان مؤید بر ریشه‌یابی معنایی «اسم» بهره برده است.

۲. تفسیر «الله»

«الله» علم شخصی برای خدای تعالی است. اصل آن «اللاه» بوده، سپس علم بالغلبه شده است. همزه «اللاه» برای تخفیف و به سبب کثرت استعمال، حذف و دو لام در هم ادغام و تفخیم می‌گردد؛ مگر هنگامی که پیش از آن کسره باشد.^{۴۲} در مورد اصل «الله» دیدگاه‌هایی وجود دارد:

- اصل «الله» اللاه می‌باشد که از «إله» به معنای عُبُد گرفته شده است. این واژه، مصدر به معنای «مألوه» یعنی معبود می‌باشد^{۴۳} و اگر خدای را «إله» گفته‌اند، چون مألوه و معبود است.^{۴۴}

۳۸. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۶۳.

۳۹. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۶۳؛ التّوْحید، ص ۲۲۹.

۴۰. ن. کذ معرفت قرآنی، ج ۲، ص ۲۵۴ و ۲۵۶.

۴۱. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۶۵.

۴۲. ن. کذ تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۶۵.

۴۳. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۶۸ و نیز ن. کذ البیان فی اعراب القرآن، ج ۱، ص ۳۲.

۴۴. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۶۸ و نیز ن. کذ المیزان، ج ۱، ص ۱۸.

- برگرفته از ریشه «أَلِهَ، يَأَلُهُ، أَلِهًا» به معنای «تَحَيَّرَ» است.^{۴۵} خدای سبحان بدین جهت «إِلَهَ» نامیده شده که عقل‌ها در کنه ذات و صفات او متحیرند.^{۴۶}
- برگرفته از «لَاة، يَلُوهُ، لِيَاهًا» به معنای «إِحْتَجَبَ» است. این معنا، اشاره به سخن خدای تعالی است که فرمود:

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ.^{۴۷}

- خدای سبحان بدین جهت «إِلَهَ» نامیده شده که کیفیت او از وهم‌ها پنهان مانده است.^{۴۸}
- برگرفته از «وَلَهُ» به معنای تَحَيَّرَ ناشی از شدت شادی یا ترس و پناه‌بردن به رکنی محکم است. گفته می‌شود: «وَلَهُ الصَّبِيُّ إِلَىٰ أُمِّهِ.» یعنی کودک به مادرش پناه برد. اصل «إِلَاهَ» از «وَلَاهَ» و آن هم از «وَلَهُ» است؛ چراکه در نیازها و سختی‌ها به او پناه برده می‌شود. آنگاه واو مکسور را به همزه تبدیل کردند.^{۴۹}

آیت الله معرفت بعد از بیان این چهار دیدگاه، دو وجه نخست را بدون مستند لغوی دانسته است؛ چراکه در لغت، «أَلِهَ» به صورت مهموز، چه با شکل مکسور العین و چه به صورت مفتوح العین، وجود ندارد و اشتقاق ثلاثی هم از آن دیده نمی‌شود. «إِلَهَ» از اسم‌هایی نیست که اشتقاق «فَعَلَ» از آن جایز باشد، برخلاف «الرَّحْمَانُ» و «الرَّحِيمُ» که این اشتقاق در آنها جایز است.^{۵۰} همچنین «أَلِهَ» به معنای «عَبَدَ» به کار نرفته و «أَلِهَ» به معنای «تَحَيَّرَ» هم در اصل، «وَلِيَّةَ» است.^{۵۱} از سوی دیگر، وجه سوم، ضعیف‌ترین احتمالات است؛ چراکه «لَاة، يَلُوهُ، لِيَاهًا» معتلّ العین می‌باشد نه معتلّ الفاء. بنابراین دیدگاه صحیح، همان وجه چهارم است؛ یعنی اصل «إِلَهَ»، «وَلَاهَ» به معنای «مَأْلُوهُ إِلَيْهِ» (پناه‌برده به او) می‌باشد. تبدیل واو آغازین واژه به همزه نیز در زبان عرب شایع است؛ مانند «أَجَمَ» که در اصل «وَجَمَ» بوده به معنای «چهره‌اش از شدت خشم، در هم کشیده شد.» در واقع قاعده‌ای این چنین در زبان عربی وجود دارد که هرگاه واو آغازین واژه‌ای، مکسور باشد، به همزه

دانش‌آموزان محترم، سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۹

۴۵. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۸؛ و نیز ن. کذ المفردات، ج ۱، ص ۸۳

۴۶. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۸ و نیز ن. کذ المیزان، ج ۱، ص ۱۸.

۴۷. الانعام، ۱۰۳.

۴۸. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۹ و نیز ن. کذ المفردات، ج ۱، ص ۸۳

۴۹. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۹ و نیز ن. کذ المفردات، ج ۱، ص ۸۳

۵۰. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۴ و نیز ن. کذ کتاب العین، ج ۴، ص ۹۱.

۵۱. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۳ و نیز ن. کذ معجم مقاییس اللّغة، ج ۱، ص ۱۲۷.

تبدیل می‌شود؛ چراکه کسره واو را ناپسند جلوه می‌دهد. روایات نیز با وجه چهارم هماهنگ است.^{۵۲} به‌عنوان نمونه^{۵۳} امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر بسمله، می‌فرماید:

«الله» کسی است که هر مخلوقی هنگام نیاز و سختی و آنگاه که امید از غیر او بُریده شود و دیگر اسباب، همگی، ناکارآمد افتد، به او پناه برد.^{۵۴}

از ضحاک و خلیل بن احمد نیز چنین نقل شده:^{۵۵}

«الله» بدین جهت إله نامیده شد که خلق در نیازهای خود به او پناه می‌برند و در سختی‌ها به او تضرع می‌کنند.^{۵۶}

نویسنده در این بخش پس از دسته‌بندی دیدگاه‌های مختلف و بررسی آن، نظر خویش را مستند به دلایلی ذکر می‌کند؛ روشی که کتاب «التفسیر الاثری الجامع» را در عداد تفاسیر اجتهادی بر پایه نقل قرار می‌دهد.

۳. تفسیر «الرَّحْمَن» و «الرَّحِيم»

آیت الله معرفت «الرَّحْمَن» و «الرَّحِيم» را دو صفت از صفات بارز خدای تعالی معرفی کرده که رحمان، مظهر رحمت گسترده اوست و رحیم، دلیل بر عنایت ویژه او به بندگان مؤمن خویش. واژه رحمان بر وزن «فَعْلان» مبالغه در گستردگی رحمت خدای تعالی را می‌رساند و تنها خدای متعال با آن وصف می‌شود. رحیم بر مهربانی و عنایتی ویژه دلالت دارد که هر انسان مهربان و دلسوز به آن موصوف می‌گردد.^{۵۷} یادکرد این دو صفت، بدین جهت است که منشأ همه فیوضات و برکات الهی به شمار می‌روند.^{۵۸}

نویسنده، این سخن را که برخی «رحمان» را واژه‌ای عبرانی پنداشته‌اند، گزاف و غیر مستند دانسته و «رحمان» را کلمه‌ای شناخته‌شده مشتق از «رحمت» می‌شمرد.^{۵۹}

۵۲. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۸.

۵۳. ن. کد معرفت قرآنی، ج ۲، ص ۳۶۹.

۵۴. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۷۲؛ معانی الاخبار، ص ۴.

۵۵. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۷۴.

۵۶. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۷۴؛ جامع احکام القرآن، ج ۱، ص ۳.

۵۷. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۸۰.

۵۸. ن. کد معرفت قرآنی، ج ۲، ص ۲۷۰.

۵۹. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۹۰.

۴. تفسیر اشاری و رمزی بسمله

تفسیر اشاری از روش باطنی استفاده کرده و جنبه‌هایی «رمزی» و «عرفانی» را طرح می‌نماید. نویسنده کتاب «التفسیر الاثری الجامع» به این عناوین اشاره کرده، گاهی از آنها استفاده نموده و تأیید یا رد کرده است.^{۶۰} مرحوم آیت الله معرفت، استفاده‌های عرفانی از آیات قرآن را خارج از حوزه تفسیر دانسته و از نوع تداعی معانی می‌شمرد؛ در نتیجه آن را تفسیر به رأی نمی‌داند.^{۶۱}

ایشان در بخش تفسیر اشاری و رمزی بسمله، نمونه‌هایی از تداعی معانی را مورد توجه قرار داده است. به‌عنوان نمونه به نقل برخی سخنان که بر پایه تفکیک حروف بسمله است، می‌پردازد و آنها را نقد می‌کند. ایشان این تأویلات را اگر به‌عنوان تفسیر در نظر گرفته شود، بدون ضابطه و اعتبار دانسته؛ ولی لحاظ آن از قبیل تداعی معانی را غیر مضر می‌شمرد.^{۶۲}

ه) چگونگی نگارش بسمله

آیت الله معرفت در انتهای مباحث مربوط به بسمله با استناد به چند روایت، نحوه نگارش این آیه را مطرح می‌کند.^{۶۳} مضمون این روایات را می‌توان در سه دسته جای داد. یکم، روایاتی است که بر زیبانویسی بسمله و نگارش این آیه با خطّ خوش تأکید می‌کند. برخی از روایات بیان داشته‌اند که زیبانویسی این جمله قرآنی موجب مغفرت است. بیهقی در شعب الایمان از امام علی علیه السلام روایت کرده:

مردی «بسم الله الرحمن الرحيم» را زیبا نگاشت؛ پس بخشیده شد.^{۶۴}

شد.^{۶۴}

دوم، روایاتی است که بر چگونگی نگارش بسمله دلالت دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از

کاتبان خود فرمود:

۶۰. ن. کذ مقاله سبکی نوین در تفسیر روایی روش‌شناسی کتاب تفسیر اثری جامع، مجله بینات، ش ۴۴، ص ۱۲۳.

۶۱. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۶۲ و ن. کذ معرفت قرآنی، ج ۳، ص ۴۲۲.

۶۲. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۴۹۹.

۶۳. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۵۰۹.

۶۴. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۵۰۹؛ شعب الایمان، ج ۲، ص ۵۴۶؛ اللز المنثور، ج ۱، ص ۲۷.

دوات را ليقه کن. نوک قلم را کج کن. دندانۀ آغازین باء را بلند بنگار. دندانۀ‌های سین را با فاصله بنویس. میم را کور نکن. «الله» را زیبا ساز. «الرَّحْمَنُ» را بکش. «الرَّحِيمُ» را نیکو بنویس و قلم خود را پشت گوش چپ خود بگذار تا بهتر به یاد آوری.^{۶۵}

همچنین از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با بهترین خطّ خود بنویس و باء را پیش از نگارش دندانۀ‌های سین، نکش.^{۶۶}

مرحوم آیت الله معرفت، تنها به نقل این روایات اکتفا نکرده، بلکه گاهی با استناد به سخن دیگران به تبیین روایات نیز پرداخته است. برای نمونه، در بیان روایت ذکرشده از کتاب وافی، نوشته:

یعنی باء را تا میم نکش.^{۶۷}

سوم، روایاتی است که بر احترام به بسمله مکتوب و طهارت هنگام نگارش آن تأکید می‌کند. از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده:

هر کس کاغذی مکتوب به «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را برای تعظیم و جلوگیری از پایمال شدن از زمین بردارد، نزد خدا از صدیقان نوشته شده و در حساب و عقاب پدر و مادرش تخفیف داده می‌شود؛ هر چند کافر باشند.^{۶۸}

نتیجه گیری

آیت الله معرفت در جلد نخست کتاب «التفسیر الاثری الجامع» پیش از ورود به تفسیر سوره حمد به بررسی و تبیین ابعاد آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» پرداخته است. ایشان نخست به بیان عظمت و فضیلت بسمله و جایگاه و منزلت آن پرداخته و بر برکت آغاز کارها با این آیه و ناتمام ماندن کارها با ترک بسمله تأکید کرده است. سپس آیه بودن بسمله را مطرح نموده و قرائت آن را در نماز، واجب شمرده است. آنگاه به برتری قرائت جهری بسمله می‌پردازد. در بخش تبیین واژگان، نظر ایشان چنین است که تفسیر رمزی کلمه‌ای که در لغت، دارای موضوع له مشخص

۶۵. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۵۱۱؛ منیة المرید، ص ۳۵۰.

۶۶. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۵۰۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۶۷۲.

۶۷. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۵۰۹؛ الوافی، ج ۵، ص ۷۰۹.

۶۸. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۵۱۶؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۹.

است، اعتباری ندارد. آنگاه تکتک واژگان این آیه را بررسی لغوی و تفسیری می‌کند. ایشان ریشه اسم را «سمه» به معنای علامت دانسته، نه «سمو» به معنای برتری. درباره واژه «الله»، آن را علم شخصی شمرده و اصل آن را «إله» و برگرفته از «ولاه» به معنای «مألوهٌ إلیه» (پناه‌برده به او) می‌داند. نویسنده، «الرَّحْمَنُ» را صیغه مبالغه و نامی خاص اما فراگیر شمرده و «الرَّحِيمُ» را صفت مشبّهه و نامی عام، اما دال بر عنایت ویژه دانسته است. ایشان در بخش نگارش بسمله، زیانویسی، طهارت و احترام به این آیه را مطرح کرده است. «التّفْسیْرُ الاثْرِي الجامع» کتابی است که افزون بر ذکر روایات شیعه و سنی، نقد دیدگاه‌ها و اظهار نظر اجتهادی را نیز در برنامه کاری خود دارد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۳. بررسی تحلیلی و انتقادی آثار قرآنی استاد معرفت، علی معموری، معرفت قرآنی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۴. البیان فی اعراب القرآن، ابوالبرکات ابن انباری، قاهره، دارالکتاب العربی، ۱۳۸۹ق.
۵. تفسیر اثری جامع، محمد هادی معرفت، ترجمه جواد ایروانی، قم، تمهید، ۱۳۹۰ش.
۶. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۷. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۸. تفسیر جامع، سید محمد ابراهیم بروجردی، تهران، صدر، ۱۳۶۶ش.
۹. تفسیر خسروی، علیرضا خسروانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۰. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.
۱۱. التّوْحید، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، جامعه مدرّسین، ۱۳۹۸ق.
۱۲. جامع احکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، مؤسّسة التّاریخ العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۳. جامع الاخبار، محمد سبزواری، قم، مؤسّسة آل البيت لاحیاء التّراث، ۱۴۱۴ق.
۱۴. التّرّ المنثور فی التّفْسیْر بالمأثور، جلال الدّین سیوطی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۶. السنن الكبرى، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دارالفکر.
۱۷. سنن النسائی، احمد بن شعيب نسائی، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۸ق.
۱۸. شعب الایمان، احمد بن حسین بیهقی، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.

۱۹. عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۰. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۱. کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۵ق.
۲۲. کشف الغمة فی معرفة الائمة، علی بن عیسی اربلی، تحقیق سید هاشم رسولی محللاتی، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۲۳. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، متقی بن حسام‌الدین هندی، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۲۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مؤسسه العلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۲۵. المستدرک علی الصحیحین، محمد عبدالله (حاکم نیشابوری)، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
۲۶. المصنّف فی الاحادیث و الآثار، ابن ابی شیبہ، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۲۷. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۲۸. معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، دوم، ۱۳۸۹ق.
۲۹. معرفت قرآنی، علی نصیری، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۳۰. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد (راغب اصفهانی)، دمشق، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۳۱. منیة المرید، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۳۲. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۳۳. الوافی، محمد محسن فیض کاشانی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۳۴. مقاله آیه بودن بسمله از دیدگاه فریقین، زهرا رضازاده عسگری، مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ش.
۳۵. مقاله رویکردی نوین در ترجمه بسمله با تحلیل ساختارهای زبانی آن از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، محمد خامه‌گر، معارج، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش.
۳۶. مقاله سبکی نوین در تفسیر روایی روش‌شناسی کتاب التفسیر الاثری الجامع، محمد علی رضایی اصفهانی، بینات، ش ۴۴، زمستان ۱۳۸۳ش.
۳۷. مقاله معرفی و نقد التفسیر الاثری جامع، محمد ابراهیم روشن‌ضمیر، الهیات و حقوق، ش ۳۶، زمستان ۱۳۸۶ش.